

اعلامیه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به مناسبت هشت مارچ روز جهانی زن

مبارزه، برای رهایی زنان، جزء از مبارزه برای رهایی کل بشریت است!

هشت مارچ - روز جهانی زن - روز همبستگی و اتحاد زنان مبارز و زحمتکش جهان برای رهایی از یوغ ستم و برده‌گی است. بیش از یک قرن است که پرچم خون‌چکان هشت مارچ، در سنگری آزادی و مبارزه‌ی زنان در اهتزاز است. هشت مارچ، پیام‌آور رهایی زنان از اسارت نظام پوسیده‌ای طبقاتی و ساختن جهان نوین است. هشت مارچ، روز تجدید پیمان و ایستادن در صف مبارزه برای رهایی زنان و کل نوع بشر است. این روز تا آن زمان، تجلیل خواهد شد که هیچ زنی در جهان در اسارت نباشد.

سرمایه‌داری به گونه عربان، اکثریت انسان‌های کره زمین را به اسارت و بردگی اقلیت ستمگر درآورده است. این نظام طبقاتی، جهان را به بهشتی برای سرمایه‌داران و دوزخی برای زحمتکشان تبدیل کرده است. اگر می‌خواهید ضرورت دگرگونی و تغییر در وضعیت موجود را درک کنید به اطفال، زنان و مردم فلسطین در نوار غزه نگاه کنید که چگونه به شکل فجیع قتل‌عام می‌شوند. به زنان و مردم اوکراین نگاه کنید که چگونه توسط بمباران‌های هوایی و راکتی کور، زندگی شان نابود می‌گردند. به میلیون‌ها زن و مرد و اطفال گرسنه‌ی که در زاغه‌نشین‌های شهرهای جهان، بدون کمترین امکانات برای زنده ماندن تقلا می‌کنند، توجه کنید. به زنان افغانستان توجه کنید که با خشونت جنون‌آمیز طالبی از کلیه عرصه‌های زندگی به گنج خانه‌ها رانده شده‌اند.

هشت مارچ امسال در حال از راه می‌رسد که دو سال و هفت ماه از امارت زن ستیز طالبان بر افغانستان می‌گذرد. این گروه از هیچ‌گونه تجاوز به ساحت زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و خصوصی زنان دریغ نکرده است. دو ماه قبل این گروه، تعدادی از دختران و زنان جوانان را از سرک‌ها و کوچه‌ها ربودند و آن‌ها را شکنجه کردند و تعدادشان هنوز در بند طالبان هستند. دشمنی و تضاد طالبان با زنان را پایان نیست. این باند زن‌ستیز از زنان برده‌گی و فرودستی کامل می‌طلبد. طالبان همه چیز را از زنان گرفته‌اند: آزادی، حق کار، حق تحصیل، حق انتخاب و حتی حق بیرون رفتن از خانه را. در بدل آن اما، ثمره حاکمیت جنون‌وار طالب بر افغانستان برده‌گی، اسارت، انزوا، آفسردگی و ترس برای زنان بوده است. زنان اما برای آزادی و رهایی شان می‌رزمنند، آزادی که بدون سرنگونی طالبان ممکن نیست. زنان می‌خواهند زندگی کنند و آزادی داشته باشند. نمی‌توانند زنجیره اسارت و برده‌گی را که طالبان به گردن آن‌ها انداخته‌اند بپذیرند و با توحش و جنون مذهبی طالب سازش کنند. این جاست که مبارزه ادامه می‌یابد.

مبارزه‌ی زنان برضد حاکمیت زن‌ستیز طالب، به خط مقدم مبارزه‌ی زنان جهان برای آزادی‌شان تبدیل گشته است. این امر به این دلیل است که هم دهشت و درنده‌خویی طالبان، علیه زنان عربان و فوق‌العاده خشن است و هم بی‌حقوقی و اسارت زنان افغانستان امروز در جهان بی‌مانند. زنان مبارز و نترس افغانستانی که چشم در چشم طالبان ایستاده؛ اسارت، شکنجه و مرگ را به جان می‌خرند به مبارزات رهایی‌بخش زنان شکوه ویژه بخشیده است. هرچه بیشتر، مبارزه و جنبش زنان افغانستان جنبه مردمی، انقلابی و مستقل به خود گیرد تأثیرگذاری آن بر جنبش مبارزاتی زنان جهان بیشتر خواهد شد.

جنبش مبارزاتی زنان افغانستان، برای این که عمق و گسترش یابد، باید مستقل، دموکراتیک، مردمی، ضدامپریالیست و ضدارتجاع باشد. از التفات به قدرت‌های امپریالیستی دست بردارد. اکنون آفات‌های متعدد نیرو و توان جنبش مبارزاتی زنان افغانستان را تضعیف می‌کند. این آفات، در نگاه لیبرالی و تکیه به قدرت‌های امپریالیستی فعالین زنان نهفته است. جنبش زنان باید از این انحراف و آفت

دوری کنند. همین نگاه لیبرالی غالب بر فعالین زنان کشور، سبب شده که فعالین زنان به جای سازمان‌دهی جمعی زنان و دختران و گسترش آن، به سلبریتی سازی مصروف شوند و به جای تلاش برای ساختن برنامه، به فعالیت‌های موقتی و واکنشی متوسل گردند.

بدون تئوری انقلابی جنبش انقلابی وجود ندارد. این امر در مورد جنبش زنان نیز صادق است. جنبش زنان نیز بدون تئوری انقلابی تعمق و گسترش نخواهند یافت. از این رو فعالین زنان، باید به مسایل تئوری توجه کنند. برای تدوین برنامه دموکراتیک و توده‌ای زنان و ایجاد تشکیلات مستقل کار کنند. حرف دیگر این است که -اگر معیار آزادی یک جامعه با میزان آزادی زنان آن جامعه قابل سنجش است؛ معیار و تشخیص مردمی بودن و انقلابی بودن یک تشکیلات و حرکت را باید با معیار طبقاتی آن سنجید. به این معنی که آیا این حرکت در خدمت اکثریت توده‌های تحت‌ستم قرار دارد و یا به التفات قدرت‌های امپریالیستی چشم دوخته است.

رهایی زنان، بدون رهایی کل جامعه ممکن نیست. این امر هرگز به معنی تعویق انداختن خواست‌ها و مطالبات زنان در آینده نامعلوم نیستند؛ بلکه به این معنی است که این خواست و مطالبات زنان باید با منافع کارگران، دهقانان، روشنفکران و کلیه زحمتکشان جامعه در ارتباط ارگانیک قرار گیرد. پیوند و همبستگی میان این جنبش‌ها به غنا و کیفیت تیوریکی و سازمانی آن‌ها می‌آزاید و خط تمایز میان دوست و دشمن را روشنتر می‌کند.

اکنون که زنان و مردم افغانستان در چنگال آهریمنان تاریک‌اندیش طالب گرفتار آمده‌اند، راه خلاصی از این وضعیت، اتحاد کارگران و کلیه زحمتکشان کشور، تحت رهبری حزب پیشاهنگ است. استراتژی مبارزاتی حزب، برای سرنگونی ارتجاع حاکم و حامیان امپریالیستی شان «جنگ خلق» و برنامه حداقل آن انجام انقلاب دموکراتیک نوین و استقرار دیکتاتوری دموکراتیک خلق، و گذار به انقلاب سوسیالیستی است.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۸ مارچ ۲۰۲۴